



شب یلدایی متفاوت

احترام السادات عطار

مدیر بازنشسته، منطقه ۴ تهران

تصویرگر: سید میثم موسوی

فعالیت مجازی شکل گرفته بود و من نمی توانستم همکاران و دانش آموزانم را از نزدیک ببینم. سخت دلتنگشان بودم. مدام در این اندیشه بودم که با چه چیزی می توانم دلشان را شاد کنم، چرا که به همه گفته بودم و با هم قرار گذاشته بودیم بحران فقط کرونا باشد و بس. در این روزگار سرد و بی روح باید کاری می شد تا اینکه تصمیم گرفتم برای شب یلدای گذشته که با میلاد پر مهر پرستار کربلا، حضرت زینب (سلام الله علیها)، مصادف بود، به همان مغازه قنادی که سال هاست سفارش های مدرسه را تدارک می بیند، بروم. می خواستم برای همکارانم یک شب یلدا سفارش دهم و شادی ام را با آن ها تقسیم کنم.

روزی که می خواستم، کیک ها آماده شد. با راننده مدرسه صحبت کردم و نشانی همه را در اختیارش گذاختم تا تمام کیک ها و شیرینی ها به منزل همکارانم برده شود. چند راننده به تمام نقاط شهر تقسیم و بسیج شدند تا کیک ها را ببرند. دبیران و همکارانم، شور و شوق به دل هایشان راه یافت؛ شوری که یادآور این باور زیبا بود که زندگی در جریان است. کسی هست که همواره به یادشان است و شیرینی عشق و محبت را کنار آنان می خواهد.

بله زندگی را باید زیست، چون زندگی همواره در جریان است.